

«فرهیختگان» به بهانه سالگرد رحلت آیت‌الله مهدوی کنی مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست‌ورزی او را بررسی می‌کند

مرد سیاست و صداقت



تکلیف، سید وحید حسینی آرم‌هیختگان

بود زیربار مسئولیتی برود، آماده خدمتگزاری به انقلاب، مردم و کشور بود. این ویژگی آقای مهدوی کنی بود که هر جایی باری زمین گذاشته شده و باید کسی این بار را بردارد و ببرد ولو این بار بسیار هم سنگین باشد، ایشان از این سختی و دشواری فرار نمی‌کرد. آیت‌الله مهدوی کنی کار را در حد توانی که داشتند، انجام می‌دادند که توان بسیار بالایی هم بود.

تاسیس دانشگاه هم برای همین دوران است؟

بله، در دهه ۶۰ اتفاق دیگری هم می‌افتد که پایه‌گذاری دانشگاه امام‌صادق(ع) استست و ایشان مسئولیت این کار را داشتند. البته اصل ماجرا ریاست‌عالیه‌این مجموعه‌برعهده‌آیت‌الله‌منظری‌قرار داشت که آیت‌الله مهدوی کنی عضویت‌امنا‌بودند‌ومدیریت‌این کار را برعهده گرفتند و به هر حال ریاست دانشگاه امام‌صادق(ع) هم برعهده ایشان گذاشته شد. درواقع بنای راه‌اندازی دانشگاهی مبتنی بر معارف اسلامی با همت و تلاش ایشان و همکاران ایشان گذاشته شد که تا‌الآن هم ادامه دارد و از باقیات صالحات ایشان محسوب می‌شود.

آیت‌الله مهدوی وزیر کشور دوران آشوب بودند بعد از شهادت رجایی و باهنر ایشان به‌عنوان ریاست موقت هیات‌دولت هم منصوب شدند؟

بله، اگر اشتباه‌نکنم در دولت شهید باهنر وشهیدرجایی وزیر کشور بودند که‌باز‌در‌اینجا‌هم‌مسئولیت‌بسیار‌سنگینی‌داشتند. باید‌برای‌پی‌بردن‌به‌سنگینی‌این‌امر‌به‌مطبوعات‌در‌آن‌زمان‌مراجعه‌کردو دید کشور درگیر چه آشوب‌ها و جنجال‌های مختلف و حرکت‌های خرابکارانه و ضدانقلابی هم در تهران و هم در اقصی نقاط کشور بود. برای اینکه مشخص شود مسئولیت وزارت کشور در آن زمان چقدر سنگین بود باید به اسناد تاریخی مراجعه شود. وقتی شهید رجایی در هشتم شهریور ۱۳۶۰ به شهادت می‌رسند، طبق قانون اساسی شورای ریاست‌جمهوری شکل می‌گیرد که متشکل از وزیر کشور، رئیس مجلس و فرد دیگری است. ایشان مسئولیت این شورا را برعهده داشتند تا این دوره انتقالی طی شود. بحث را با این جمله تمام کنم که آیت‌الله مهدوی کنی یک فرد تکلیف‌مدار بود. ایشان یک فرد دلسوز انقلاب بود که هر جا لازم بود فداکاری کند، لازم بود مسئولیتی را برعهده بگیرد، لازم

فعال بودند یا اصلاً فعالیت‌افتادند یا نیمه‌فعال شدند مثل شهربانی که تقریباً در ابتدای انقلاب به‌دلیل مسائلی که وجود داشت، از کار افتاده بود و در چنین شرایطی نظم و امنیت شهرها برعهده کمیته‌ها قرار گرفت. علاوه‌بر این حتی در خیلی از امور اجتماعی و اختلافات بین خانوادگی یا حتی همسایه‌ها داوری انجام می‌داد. البته در شلوغی‌های اول انقلاب نیروهای کمیته یک‌دست و خاص نبودند و برخی افراد ناباب هم با سوءاستفاده از شرایط به درون کمیته‌ها نفوذ کردند و شرایط پیچیده‌ای ایجاد شد. در چنین وضعیتی آیت‌الله مهدوی کنی مسئولیت کلی کمیته‌ها را برعهده می‌گیرند. این کار سنگین و پیچیده‌ای بود که ایشان شانه زریبار سنگین آن دادند. مسئولیت کمیته مرکزی که باید بر کمیته‌های دیگر نظارت کند، برعهده آیت‌الله مهدوی کنی قرار گرفت. آیت‌الله مهدوی کنی طبیعتاً هم باید کمیته‌ها را در این مسیر هدایت می‌کردند و هم این کمیته‌ها را از وجود عناصر ناباب یا کمی‌کردند و هم در جهت تجمه‌رزو رساندن امکانات به اینها تلاش می‌کردند. در مجموع کار فوق‌سنگین بود که به ایشان واگذار شد. آیت‌الله مهدوی کنی این کار را با تمام سختی‌ها، پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی که داشت، انجام دادند.

گفت‌وگو

وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سعه صدر آیت‌الله مهدوی کنی در مواجهه با منتقدان از جمله بازرگان مثال‌زدنی بود

آیت‌الله مهدوی کنی چه رفتارهایی داشتند که این تعبیر از ایشان می‌شود؟

ایشان مخالفان خود را می‌پذیرفتند، به‌طور مثال با بازرگان از نظر فکری مخالف بودند اما اگر جهات مثبت و خدمات قبل از انقلاب یا پایبندی به احکام شرعی داشتند، حتماً یادآکر می‌کردند. آیت‌الله مهدوی کنی هیچ‌گاه در بیان مسائل بی‌انصافی نمی‌کرد و این روحیه تاثیر مثبتی بر دانشجویان داشت. گروه‌هایی که در اوایل انقلاب خود را طرفدار امام می‌دانستند و مخالف آمریکا و علیه سرمایه‌داری بودند، بعدها دیدگاه‌شان تغییر کرد و جزء نیروهای غربگرا شدند. درواقع همین اصلاح‌طلبان امروزی افراطی جزء کسانی شدند که راه پیروزی از ولایت را ادامه ندادند. با وجود این آیت‌الله مهدوی کنی آنها را از این تندروی‌ها بر حذر می‌داشتند و درعین‌حال تاکید داشتند باید در برخورد با مخالف نیز جنب انصاف را رعایت کرد.

در خصوص دلایل و اهدافی که آیت‌الله مهدوی کنی به‌سمت ایجاد دانشگاهی با رویکرد امام‌صادق(ع) بعد از انقلاب رفتند هم توضیح بفرمایید.

انقلاب با یک انقلاب اسلامی بود و نظام به‌عنوان جمهوری اسلامی نیاز به نیروها و عناصری داشت که هم با علم روز آشنا باشند و هم مبانی دینی را به‌خوبی بشناسند. ما در بحث مدیریت، مسائل حقوقی، اقتصاد و حتی در ارتباطات به افرادی نیاز داشتیم که صرفاً با مکاتب غربی آشنا نباشند، بلکه دیدگاه‌های اسلامی را نیز به‌خوبی بدانند و در جایگاه نظریه‌پردازی و کارهای تئوریک صاحب‌نظر باشند و به‌عنوان مدیرانی که می‌خواهند تصمیم بگیرند نیز اقدام کنند.

کار ارزشمند آیت‌الله مهدوی کنی ایجاد عملی وحدت حوزه و دانشگاه بود

لذا کار ارزشمندی که آیت‌الله مهدوی کنی انجام داد، ایجاد عملی وحدت حوزه و دانشگاه بود. ما در کشور افرادی را داشتیم که صرفاً درس‌های حوزوی خوانده بودند و عده‌ای نیز صرفاً بحث‌های روز را دنبال می‌کردند و وجه مشترکی نداشتند. اما دانشجویان فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق(ع) که بعدها غالباً خود از اساتید این دانشگاه یا دانشگاه‌های دیگر شدند، در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف نیز مشغول به کار شده و از این جهت نیروهای کارآمدی بودند. اهمیت این مسئله را آیت‌الله مهدوی کنی از روزهای اول انقلاب درک کردند و باید برای ترتیب نیرو وقت و زمان گذاشت و بسیاری از دانش‌آموختگان این دانشگاه در مسئولیت‌هایی همچون تدریس در دانشگاه، در وزارت خارجه، صداوسیما، سازمان فرهنگ و ارتباطات و وزارتخانه‌های مختلف اعم از ارشاد، اقتصاد و اکثر نهادها و ارگان‌ها حضور دارند.

مسعود رضایی، پژوهشگر تاریخ معاصر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» سیره سیاسی مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در ایام حیات وی را بررسی کرد. مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظر می‌گذرد.

|||

با توجه به اینکه آیت‌الله مهدوی کنی قبل از انقلاب در پیروزی نهضت حضرت امام(ره) نقش مهمی داشتند و بعد از انقلاب هم در بحث جامعه روحانیت و دانشگاه امام‌صادق(ع) از افراد موثر در تاریخ انقلاب بودند، در زندگی سیاسی ایشان مهم‌ترین فرازهایی که باعث شد رهبر انقلاب به ایشان لقب وفادار غیور و صادق امام و انقلاب را بدهند، چیست؟

آیت‌الله مهدوی کنی از مبارزان برجسته قبل از انقلاب بودند که پایگاه‌شان مسجد جلیلی در خیابان ایرانشهر بود. این مکان محل رجوع خیلی از جوانان و مشتاقان مبارزه در مسیر اسلام و حضرت امام بود. ایشان یکی از شخصیت‌های برجسته روحانی در تهران محسوب می‌شدند که مورد مراجعه مبارزان بودند. نکته مهم این است که آیت‌الله مهدوی کنی خط خود را بر خط مبارزاتی حضرت امام منطبق می‌کردند و هیچ انحراف و زاویه‌ای از این خط نداشتند. طبیعتاً رژیم پهلوی روی ایشان حساس بود و ایشان دوران سختی را در بازداشتگاه‌های رژیم پهلوی گذراندند. مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی از جمله شخصیت‌هایی هستند که شکنجه‌های بسیار شدیدی را تحمل کردند ولی هرگز از مسیر بزرگشتند.

در زمان طاغوت آیت‌الله مهدوی محل مراجعه مبارزان بود
به همین دلیل ایشان زیرنظر جدی ساواک قرار داشت و از آنجا که خیلی در این مسیر مبارزه ثابت‌قدم بودند و محل رجوع مبارزی از جمله جوانان و دانشجویان و طیف‌های این چنینی بودند، طبیعتاً حساسیت روی ایشان زیاد بود و موقعی که دستگیر می‌شدند، مقاومت می‌کردند، حاضر نمی‌شدند افسرداری لو بدهند و لذا شکنجه‌های سختی در مورد ایشان اعمال می‌شد. به‌هر حال ایشان از جمله کسانی هستند که مقاومت جدی و سرسختانه‌ای را در برابر رژیم پهلوی داشتند. بعد از پیروزی انقلاب هم می‌بینیم ایشان از نزدیکان و از جمله افراد کاملاً مورد وثوق حضرت امام(ره) بودند و در ابتدای انقلاب یکی از مسائلی که موجود داشت، شکل‌گیری کمیته‌ها بود. کمیته‌های انقلاب اسلامی که نهاد مهم و کارآمدی در آن دوره بودند مستقیماً با هدایت ایشان به فعالیت می‌پرداختند. در این خصوص باید به شرایط اجتماعی و فضایی که در آن زمان وجود داشت هم‌دقت کنیم؛ نظامات سابق از هم پاشیده بود، نهادهایی که قبلاً

مهدیه مهدوی کنی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تاسیس دانشگاه خواهران نمود عملی توجه آیت‌الله مهدوی کنی به مساله زنان بود

دیدن پدرم در زندان و تبعید ایشان بسیار سخت بود

برای من آن زمان رفتن به زندان استرس‌زا بود و هنوز آن صحنه‌ها در ذهن من باقی مانده که رفتار خشن آنها با پدر چه بر سر ما می‌آورد. تحقیری که پدرم به‌دلیل برده شدن به زندان متحمل می‌شدند یا تبعید ایشان بسیار سخت بود.

به‌دلیل تبعید پدرم در مسجد محقر اهل سنت در شهرستان کوچکی مستقر بودیم دوران تبعید پدر را به‌خاطر دارید؟

بله آن را نیز به‌خاطر دارم که به چه شهری رفتم، در مسجد محقر اهل سنت مستقر بودیم که قسمت سرایداری به ما داده شد که مدتی کنار ایشان باشیم. تحمل این وضعیت برای خانواده خیلی سخت بود. کسی که در تهران زندگی کرده و می‌خواهد با همسر و دو‌بچه کوچک در آن شهر زندگی کند و افساقت‌شود، درحالی که دو فرزند ایشان در تهران تحصیل می‌کردند و باید آنها را جایی می‌سپارد. لذا این اتفاقات از سختی‌های قبل از انقلاب بود.

این مواجهه پس از پیروزی انقلاب به چه شکل بود؟

درباره مسائل بعد از انقلاب خاطرات من کمتر است چرا که هیچ‌وقت پدر منزل نبود. اغلب اوقات که من از خواب بیدار می‌شدم حاج‌آقا نبودند و وقتی شب می‌رسیدند من خواب بودم. حاج‌آقا در زمان دوره دبستان من در کمیته انقلاب اسلامی که اوج شلوغی‌ها وارد سرها برای کشور بود مسئولیت داشتند و تمام وقت خود را در آنجا سپری می‌کردند. البته از لحاظ رفتار خانوادگی وقتی پدر در کنار ما حضور داشت، تمام دلخوشی ما بودند. یعنی ما چه در سال‌های اخیر که ایشان پیرتر شدند و سن جوانی اول انقلاب را نداشتند، باز هم مسافرت رفتن با ایشان برای ما بهترین خاطرات است. وقتی ایشان بودند خیلی به ما خوش می‌گذشت و حضور ایشان در خانواده گرمای خاصی داشت چرا که برای تک‌تک ما وقت می‌گذاشتند. حتی ایشان برای کوچک‌ترین عضو خانواده مطابق روحیه کودک‌گد وقت می‌گذاشتند و او را مورد توجه قرار می‌دادند.

شما به‌عنوان فرزند آیت‌الله مهدوی کنی تحصیلات عالی و حضور اجتماعی در جامعه دارید. ایشان نگاه‌شان به زنان و حضور اجتماعی بانوان در جامعه چطور بود؟
الحمدلله خداوند لطف کرد و ما را در این خانواده قرار داد. مادر من در کنار آیت‌الله مهدوی کنی تحصیلات خود را ادامه می‌دادند. تحصیلات حوزوی و مدرسه‌ای بود و پدرم مانع این نمی‌شدند و حتی همواره مادرم را تشویق می‌کردند. مادرم می‌گفتند وقتی کارهای خانه‌داری را انجام می‌دادم، آیت‌الله مهدوی کنی آن‌طور که برای تحصیل مرا تشویق می‌کردند، نبود و ایشان می‌گفتند آنچه برای شما می‌ماند علم است.

حاج‌آقا خیلی به همسران ما توجه داشتند و انتخاب همسران ما هم بر این مبنا بود که تحصیلات را ادامه‌دهیم، نکته دیگر این است که دانشگاه خواهران نمود عملی اعتنا و توجه حاج‌آقا به مساله تحصیلی بانوان در محیط سالم بود و در این مسیر به بانوان استقلال فکری داده بودند. به‌گونه‌ای نبود که بخوانند خانم‌ها را نادیده بگیرند و ایشان همواره می‌گفتند اولویت این امور را فراموش نکنید.